

## آبی، رنگ بی‌آلایش و فرامینی است

4 مرداد 1401

روزنامه شرق به بهانه نمایش آثار یعقوب مشفق‌فر با عنوان «آبی» در گالری آرتیپیشن، گفت و گویی را منتشر کرده است.



آثار اخیر یعقوب مشفق‌فر به راحتی دریچه‌ای به سوی وجه آکادمیک او و دریچه‌ای دیگر به سوی زادگاه و پیرامون این هنرمند به روی ما می‌گشاید. از سویی تأثیر نگارگری ایرانی را در رنگ‌های مشفق‌فر می‌بینیم و از جهتی دیگر دل‌بسته فضای آرام، ساده و زندگی پاستورال آثارش می‌شویم. طبیعت و پیرامون آبی‌رنگ به همراه دیگر رنگ‌های شفاف و خالص در نقاشی‌های او تکراری مطلوب و چشم‌نواز دارد و به فضایی شاعرانه نزدیک می‌شود. در نهایت همه این ویژگی‌ها آثار یعقوب مشفق‌فر را متمایز و قابل تشخیص کرده و به راحتی صفت زیبایی را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند. این هنرمند از کودکی نقاشی را به جای نداشته‌های خود گذاشته و به این هنر پناه برده است، در نتیجه شاید امروز نیز طبیعت آبی درون نقاشی‌هایش را پناهی در مقابل زندگی ماشینی دانسته است. به تازگی نمایشگاهی از آثار جدید او با عنوان «آبی» برگزار شده است و به این بهانه از کودکی تا امروز و چرایی آثار آبی با او گفت‌وگو کردیم.

تا چه حد در انتخاب رنگ‌ها تأثیر گرفته از نگارگری ایرانی هستید؟

نه تنها در رنگ بلکه در زمینه‌های دیگر مانند ترکیب‌بندی و فضا سازی از نگارگری ایرانی تأثیر گرفته‌ام. وقتی وارد دانشگاه شدم بیش از قبل با مقوله نگارگری آشنا شدم.

چه عاملی را در توجه خود به طبیعت بکر و بومی مؤثر می‌دانید؟

زادگاه من مرند است؛ محیطی بکر و بی‌آلایش. با اینکه 43 سال از انقلاب می‌گذرد و خودم هم سال‌هاست ساکن مرند نیستم، اما هنوز هم بکر است. قطعاً شما وقتی در چنین محیطی زندگی کردید دیگر نمی‌توانید غیر از این فکر کنید. هر لحظه این محیط پیش چشم من است و نمی‌توانم بی‌توجه باشم. هر هنرمندی ناخودآگاه یا خودآگاه از پیرامون خود در خلق اثر بهره‌مند می‌شود. توجه من به طبیعت از نوع مقابله‌ام با زندگی ماشینی حاصل می‌شود و آنچه در مرند دیدم و در من جریان دارد.

**«آبی» را به عنوان چه نمادی در طبیعت می‌شناسید که در خلق بیشتر آثارتان از این رنگ استفاده می‌کنید؟**

آبی رنگ پاک‌هاست. رنگی که به انسان آرامش می‌دهد. مهم‌ترین بعد محتوا و نقاشی پر دوش رنگ است. آبی درون‌گراست. آبی رنگ بی‌آلایش و فرازمینی است. بسیار مطالعه کردم و از دنیای خیالی و مثالی می‌آید که ریشه در هنر بین‌النهرین و همچنین جهان‌بینی و هنر اسلامی هم دارد و از طرفی مگر هنر شرقی را بدون رنگ آبی می‌توان ادامه داد؟

**نقاشی را از چه زمانی آغاز کردید؟**

علاقه من به نقاشی ریشه در کودکی‌ام دارد که با نقاشی جای خالی پدرم را پر می‌کردم. روزهای سخت و جهنمی را در کودکی پشت سر گذاشتم. مادر مهربانی داشتم اما نقاشی پناهگاه آن روزهای من بود. وقتی کار خلق می‌کنید چنان حسی پیدا می‌کنید که قابل وصف نیست. زمانی به کپی از نقاشی‌های دیگران می‌پرداختم. نقاشی را از سال 1357 شروع کردم و شعله نقاشی به مرور در من بیشتر شد. وقتی وارد دانشگاه شدم دنیای تازه‌ای را دیدم و با اصل نقاشی و خلق واقعی روبه‌رو شدم. آنجا بود که آتش نقاشی بیش از پیش در من شعله‌ور شد.

**سال‌ها به تدریس مشغول بودید، بیشتر چه دروسی را تدریس کردید؟**

من قبلاً معلم بودم. سال 64 وارد آموزش و پرورش شدم. چند سال در مدارس به آموزش هنر پرداختم اما در سطح آموزش عالی از سال 79 به بعد با تدریس در مراکز تربیت معلم تبریز که الان به نام دانشگاه فرهنگیان شناخته می‌شود، در این حوزه پیش رفتم. دروس تخصصی که تدریس می‌کردم، مبانی هنر تجسمی، طراحی و نقاشی در سطوح مختلف بود و چون مدرک ممتاز خوشنویسی دارم این هنر را نیز آموزش دادم.

**چرا چوب را به عنوان بستری برای ارائه این مجموعه آثار انتخاب کردید؟ آیا این انتخاب را همیشه داشتید یا اینکه به دلیل طبیعت‌محور بودن آثار مجموعه «آبی» این بستر انتخاب را داشتید؟**

اکثر آثار من روی بوم است و دو اثر روی چوب بود. نقاش برخی اوقات مجبور به ترک عادت و کسب تجربه جدید می‌شود. در واقع به جایی رسیدم که متوجه شدم بافتی را که مورد نیاز اثر است باید در چوب پیدا کنم. من اگر قرار بود روی بوم نایلون بکشم تا به بافت مورد نیاز برسم، دشوار بود و از عمر و پایداری اثر مطمئن نبودم. به‌طور کلی بوم را به‌عنوان بهترین متریکال برای کار خودم می‌شناسم. بعضی هنرمندان روی کاغذ و مقوا هم کار می‌کنند اما من بوم را به‌عنوان موادی با عمر بیشتر و بافت مناسب می‌شناسم.

**آثار این نمایشگاه را طی چه مدت خلق کردید؟**

اکثرشان را در دو سال گذشته خلق کردم و دو اثر هم مربوط به چند سال قبل است. در حقیقت من نمی‌توانم برای هر کار زمان مشخصی را پیش‌بینی کنم. گاهی که حالم خوش باشد زمان کمتری برای خلق اثر نیاز دارم، اما با حال بد گاهی زمان زیادی برای نقاشی اثر گذاشتم و به نتیجه دلخواهم هم نرسیدم.

**با وجود اینکه آثارتان نشانه‌هایی از سبک امپرسیونیسم مانند رنگ‌های خالص یا تصویر طبیعت را دارد، اما اشاره‌تان به دایره مثلث و مربع به سزنان برمی‌گردد. آیا آثار شما در مرز این دو شیوه قرار دارد؟**

بله اثر من تا حد زیادی به امپرسیونیسم نزدیک است و همان معیارها را یادآور می‌شود. اشکال هندسی مربوط به دوره‌ای از آثار من است، اما آثار اخیر نه. سزنان طبیعت‌گرا و همواره فیگوراتیو هم بوده و من هم از مطالعه نقاشان غربی بی‌بهره نبودم، اما بیشترین سهم تاریخ هنر از نقاشی‌های من به نگارگری ایرانی مربوط است. وقتی شما شاهنامه بایسنقری از دوره تیموریان و شاهنامه شاه‌طهماسب صفوی از دوره صفویان و... را مطالعه کنید به منابع عظیمی از هنر دست پیدا می‌کنید که در هیچ دانشگاهی تدریس نمی‌شود. متأسفانه به نگارگری ایرانی به حد کافی پرداخته نشده و ما به نوعی دروس عملی را نداریم. آگاهی مختصری از دانشگاه پیدا می‌شود اما باید دانش هنری با جزئیات و به صورت تکمیلی به دست هنرمند برسد. خبرنگار: شهرزاد رویانی